

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

Kabulpress.org

نقش رهبران جهادی در قتل احمد شاه مسعود

نویسنده: ناصر پویا

سه شنبه ۸ ژانویه ۲۰۰۸

عبدالرب رسول سیاف به مدت دو هفته در خواجه بهاءالدین مهماندار دو تروریستی بود که احمد شاه مسعود را در ۹ سپتامبر ۲۰۰۱ به قتل رساندند.

دو تروریست عرب وابسته به القاعده از خاک پاکستان و از محدوده ی تحت کنترل طالبان عبور نمودند، به سلامت به پایگاه احمد شاه مسعود در خواجه بهاءالدین رسیدند، مدت دو هفته مهمان استاد سیاف بودند، اطرافیان احمد شاه مسعود را متقاعد ساختند مسعود را تشویق کنند که به آنها اجازه ی مصاحبه بدهد، از سیستم امنیتی مسعود که عملاً یکی از با تجربه ترین و زبده ترین سیستم های امنیتی بود عبور نمودند و با انفجار بمبی مغز احمد شاه مسعود رهبر مقاومت را در چند ثانیه متلاشی ساختند. مسعود حتی فرصت سخن گفتن پیدا نکرد. یکی از تروریست ها در جا کشته می شود. دیگری فرار می کند و در حالیکه به نظر نمی رسد او هیچ راه فراری از دره ی پنجشیر به بیرون داشته باشد، دستگیر نمی شود و توسط نیروهای امنیتی به قتل می رسد. بدین ترتیب تنها سرخ موجود از بین برده می شود. چرا؟



سوال اساسی این است که آیا تمام این ماجرا می تواند بدون همکاری حلقات اطراف مسعود اتفاق افتاده باشد؟ چرا سیاف دو هفته از دو تروریست عرب پذیرایی کرد و چرا به مسعود توصیه نمود تا با آنها مصاحبه نماید؟ چطور ممکن است که سد امنیتی محافظین مسعود قادر به کشف توطئه ترور احمد شاه مسعود نشده باشد؟

مسعود در اواخر عمر خود به ندرت به خبرنگاران خارجی فرصت مصاحبه می داد. حتی خبرنگاران غربی قادر به دسترسی به مسعود نبودند. او دهها بار توطئه قتل خود را خنثی نمود و صدها بار از نبردهای خونین جان سالم بدر برد.

جورج فریدمن در کتابی تحت عنوان جنگ مخفی امریکا در مورد دلیل قتل مسعود توسط القاعده می نویسد: "یکی از نظریاتی که وسیعاً در حلقه‌های مطرح شده است، مبتنی بر اسنادی است که از سازمان استخباراتی دفاع Defense Intelligence Agency به بیرون درز کرده است، حاکی از این است که مسعود بدین سبب به قتل رسید که از حمله ی ۱۱ سپتمبر آگاه بود و القاعده می خواست او را خاموش نماید." نویسنده کتاب علاوه بر اینکه این دلیل سازمان استخباراتی را قانع کننده نمی یابد در ادامه می نویسد: "حتی اگر او اطلاعاتی در مورد حملات به امریکا می داشت هفته ها وقت داشت تا این اطلاعات را به روابط استخباراتی روسی خود و یا هر سازمان استخباراتی دیگری منتقل نماید."

اگر احمد شاه مسعود قادر بود قتل از حملات ۱۱ سپتمبر از پلان حمله به امریکا آگاه شود بدون تردید می توانست از ترور خود بوسیله ی القاعده پیشگیری کند.

تحلیل سازمان استخباراتی دفاع سعی دارد احمد شاه مسعود را وابسته به القاعده نشان دهد و سعی می کند ترور احمد شاه مسعود رانشی از اختلافات درونی سازمان القاعده نشان دهد. وابستگی احمد شاه مسعود به القاعده کاملاً غیر قابل قبول است.

تحلیلی که بیشتر در حلقه‌های سیاسی نزدیک به احمد شاه مسعود مطرح می شود دخالت سیا (CIA)، اختلافات داخلی در تیم نزدیک به احمد شاه مسعود، و نفوذ طالبان در جبهه ی متحد را در موفقیت القاعده در قتل مسعود دخیل می دانند.

سیاف و قتل احمد شاه مسعود

مهمانداری عبدالرسول سیاف از خبرنگاران عرب آن هم به مدت دو هفته در مهمانخانه ی ویژه و توصیه ی استاد سیاف به احمد شاه مسعود برای قبول مصاحبه دو خبرنگار عرب سوال اساسی را در برابر آقای سیاف قرار می دهد که بوسیله شواهد دیگر تقویت می شود. در زمان ترور احمد شاه مسعود طالبان مسایل قومی را در کشور به شدت حاد ساخته بودند. استاد سیاف از مؤلفین ناراضی احمد شاه مسعود محسوب می شد. اعتماد مسعود به استاد سیاف تضعیف شده بود و عده ای از اطرافیان مسعود به صداقت آقای سیاف مظنون بودند و معتقد بودند که آقای سیاف با طالبان مخفیانه روابط دارد. سیاف نیز هوشتر از آن بود که رد پای خود بر جای بگذارد. اما بعد از سقوط طالبان و ایجاد حکومت جدید تجارب متعدد نشان داد که استاد سیاف به هیچ وجه با شورای نظار سر سازگاری ندارد و شورای نظار را غیر قابل اعتماد می داند. در تمام معادلات قدرت او خود را به کرزی و همکاران پشتون خود نزدیک تر نگه داشت و از تمام برنامه های آنها حمایت نمود. استاد سیاف بعد از آمدن محمد ظاهر شاه به کابل به افتخار وی در اقامتگاه خود در پغمان مهمانی شاهانه ای بر پا نمود و با کشتن دهها گوسفند از ظاهر شاه پذیرایی نمود. استاد سیاف خود را بین دوستان واقعی خود یافته بود.

یونس قانونی و قتل احمد شاه مسعود

قبل از حادثه ۹ سپتمبر مناسبات احمد شاه مسعود از یک سو با استاد ربانی و از سوی دیگر با تیم محمد قسیم فهیم و یونس قانونی رو به خرابی رفت. محمد قسیم فهیم که نقش کلیدی در شورای نظار داشت احساس می کرد سهم او در رهبری شورای نظار کمتر از استحقاق واقعی وی است. از سوی دیگر رقابت دیرینه دو قریه ای که زادگاه احمد شاه مسعود و قسیم فهیم بود نیز در اختلافات این دو سهم داشت. اما احمد شاه مسعود که دارای قدرت مدیریت و رهبری بسیار قوی و دارای پایگاه مردمی بود مصمم بود کنترل اوضاع را کاملاً در دست خود حفظ نماید و به نظر نمی رسید هیچ راهی برای جابجایی درونی قدرت وجود داشته باشد. محمد یونس قانونی که از یک سو فاقد قدرت و نفوذ قسیم فهیم و از سوی دیگر در نزد مسعود بی اعتبار بود سعی نمود با بازی چند طرفه هم مسعود را حفظ کند و هم خود را عضو تیم قسیم فهیم محسوب نماید. بدین ترتیب محمد یونس قانونی نقش اساسی را در بازی رقبای قدرت به عهده گرفت. قانونی که در دوره ی حکومت مجاهدین از نزدیک با نیروهای امنیتی کار نموده بود توانست نفوذ خود را بر حلقه ی نیروهای امنیتی اطراف مسعود نیز حفظ نماید. او توانست از این نفوذ استفاده نماید و محافظین امنیتی مسعود را اغفال نموده زمینه را برای ترور احمد شاه مسعود فراهم سازد. بدین ترتیب نقشه ترور احمد شاه مسعود با همکاری مخالفین داخلی که احساس می کردند احمد شاه مسعود با رفتار مستبدانه خود آنها را تحقیر می نماید به اجرا در آمد.

سازمان سیا، امرالله صالح و قتل احمد شاه مسعود

سازمان استخباراتی CIA ممکن است بوسیله مهره های خود پروسه ی ترور احمد شاه مسعود را تسهیل نموده باشد. امرالله صالح که در حال حاضر رئیس عمومی امنیت ملی افغانستان است گفته می شود عضو CIA بوده است و به احتمال قوی در منحرف نمودن توجه نیروهای امنیتی احمد شاه مسعود نقش کلیدی داشته است. بدون تردید در این مسئله او نمی تواند تنها عامل باشد و شاید کسان دیگری نیز که با سازمان CIA ارتباط داشته اند به او کمک کرده باشند. امرالله صالح یکی از کسانی بود که بعد از قتل احمد شاه مسعود به سرعت در درون طبقه ی قدرت در کابل رشد نمود و موفقیت کلیدی ریاست امنیت ملی را از آن خود ساخت.

اما چه دلیلی می تواند سازمان CIA را به حذف احمد شاه مسعود علاقمند ساخته باشد و این سازمان چگونه ممکن است از نقشه ی ترور احمد شاه مسعود آگاه شده باشد.

تصور این سازمان این بود که قتل احمد شاه مسعود به امنیت ملی امریکا هیچ آسیبی نمی رساند، مسئله ی افغانستان را یک طرفه می نماید و متحدین وقت امریکا در منطقه یعنی پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی را پیروز می نماید. امریکایی ها نمی توانستند به احمد شاه مسعود که در سالهای اخیر روابط بسیار نزدیکی با ایران برقرار نموده بود اعتماد نمایند. مسعود از نظر CIA یک عنصر خطرناک محسوب می شد. با درک این واقعیت به احتمال قوی سازمان القاعده حامدانه CIA را از نقشه ی احتمالی خود تلویحاً آگاه نموده است و یا هم شاید بوسیله روابط دو جانبه ی خود از سازمان CIA خواهان کمک و همکاری شده است و به احتمال قوی القاعده این عمل را بخاطر انحراف سازمان CIA از نقشه ی حمله ی خود به امریکا انجام داده است که برای موفقیت جهانی القاعده حیاتی محسوب می شد. از سوی دیگر همکار بودن طالبان و پاکستان با القاعده در اجرای پروژه ی قتل احمد شاه مسعود ممکن است سبب درز نمودن اطلاعات از طریق حلقات ISI پاکستان و یا هم طالبان به CIA شده باشد. درین صورت امریکا با استفاده از اجنت های خود در درون شورای نظار مثل امرالله صالح توانسته است پروسه ی قتل مسعود را تسهیل نماید.

ترور احمد شاه مسعود ضربه ی محکمی بر تمام نیروهای مقاومت و مخالفین طالبان وارد نمود. روحیه ی مردم به شدت در هم شکسته شد و اگر حمله ی القاعده به امریکا صورت نمی گرفت خطوط مقاومت به سرعت در هم می شکست.

آنچه که مشخص است این است که پلان قتل احمد شاه مسعود در زمان تعیین شده آن توسط القاعده به اجرا در نیامد. امتناع احمد شاه مسعود از مصاحبه با خبرنگاران عرب نقشه ی آنها را دو هفته به تاخیر انداخت و به ۱۱ سپتمبر نزدیک ساخت. به احتمال قوی طرح القاعده این بوده است که با ترور احمد شاه مسعود جبهه ی مقاومت توان مقابله با طالبان را از دست خواهد داد و طالبان قادر خواهند شد تمام افغانستان را به تصرف خود در آورند. با این محاسبه و با از بین رفتن کامل جبهه متحد، طالبان قادر می شدند مقاومت جدی را در برابر حملات امریکا، که از نظر القاعده بعد از حمله این سازمان به برجهای نیویورک حتمی بود، بوجود آورند. از سوی دیگر القاعده به احتمال بسیار قوی منتظر اجرای کامل و موفقانه ی نقشه ی حمله خود به امریکا بود. اگر این نقشه تمام و کمال به اجرا در می آمد و حمله به کاخ سفید و پنتاگون موفق می شد امریکا با بحران بزرگی مواجه می شد و در این صورت قادر به از بین بردن حکومت طالبان، در صورتیکه قتل مسعود دو هفته زودتر صورت می گرفت، نبود. بدین ترتیب معادلات قدرت از شکل فعلی آن ممکن بود فرق نماید.

به نظر می رسد ترور احمد شاه مسعود و چگونگی دخالت بعضی از عناصر قدرت در آن به رازی لاینحل بدل شده است. اما آنچه که مشخص است این است که این قتل به تنهایی توسط القاعده امکان پذیر نبود و بدون تردید روزی تمام ابعاد مسئله آشکار خواهد شد. اما حال که بیش از ۵ سال از این قتل می گذرد انتظار می رود پرونده ترور احمد شاه مسعود باز شود و افکار عمومی در جریان جزئیات مسئله قرار گیرد. و کسانی که در این قتل به صورت مستقیم یا غیر مستقیم سهم گرفته اند به محکمه کشیده شوند. این یک مسوولیت ملی است.

قتل احمد شاه مسعود!

عبدالله عبدالله در قتل احمد شاه مسعود دست داشته است!

چهارشنبه ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۸



کابل پرس: یک منبع نزدیک به جبهه ملی که نخواست نامش فاش شود به کابل پرس گفت که از چندی به این سو از منابع سری و دقیق اطلاع رسیده است که دکتر عبدالله وزیر خارجه سابق حکومت کرزی یکی از کسانی است که در قتل احمدشاه مسعود دست داشته است. این خبر از زبان یکی از نزدیکان معتمد عبدالحمید محتاط سابق معاون ریاست جمهوری داوود خان درز کرده است. این منبع گفته است که نکته اصلی آن است که آقای محتاط کتابی نوشته که تا کنون نشر نشده اما نویسنده سعی دارد تا در باره نشر و یا عدم نشر این کتاب با سران جمعیت و خانواده مسعود مشورت کند. معلوم نیست که این موضوع مورد مشورت قرار گرفته یا نه ، اما این نکته ثابت است که در کتاب محتاط از دکتر عبدالله به عنوان یکی از کسانی که در پلان قتل مسعود دست داشته، نام برده شده است. محتاط نویسنده کتاب تاریخ تحلیلی افغانستان است که با آن انتشار آن بسیاری از اهالی قدرت را به خشم آورده است. گفته می شود وی اکنون در اکراین به سر می برد.